

## زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۷، شماره ۱، پیاپی ۱۰ (بهار و تابستان ۱۴۰۱) شماره صفحات: ۱ - ۳۵

### بررسی حرکت فراگیر پرسشواژه در کردی سنندجی: بر اساس رویکرد ادغام موازی

شهلا صیفوری<sup>۱</sup>، یادگار کریمی<sup>۲\*</sup>، شهرام اسدی<sup>۳</sup>، محسن معصومی<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه کردستان؛ و گروه زبان‌شناسی و ادبیات کردی، پژوهشکده کردستان‌شناسی

۳. استاد ریاضی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

۴. استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

#### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی حرکت فراگیر پرسشواژه در ساخت همپایگی در کردی سنندجی، با استعانت از رویکرد سیتکو (۲۰۰۵) بر مبنای ادغام موازی در ساختار اشراف چندگانه می‌پردازد. در بررسی داده‌های گونه‌ی کردی سنندجی، شواهد حاکی از آن است که پرسشواژه‌های موضوعی که حاوی اطلاعات ضروری‌اند و در جایگاه‌های موضوع به‌عنوان متمم فعل قرار گرفته‌اند، رفتار ابقایی دارند و بدون حرکت به گستره‌ی دامنه‌ی خود، در جای اصلی باقی می‌مانند و در این حالت حرکت فراگیر نمی‌تواند پرسشواژه منفرد در جایگاه مفعولی را تحت تأثیر قرار دهد. در کردی سنندجی، پرسشواژه‌ها در شرایطی که بین دو بند همپایه به اشتراک گذاشته شده باشند، می‌توانند به حاشیه‌ی چپ ساخت همپایه، پیش‌اندازی شوند. از طرفی، داده‌هایی که بندهای شامل آن، خوانش تک جفتی دارند نیز نمی‌توانند فرض مطلق پرسشواژه در جای اصلی در کردی سنندجی را خدشه‌دار سازند؛ زیرا که در این حالت حرکت پرسشواژه اختیاری است و از این نظر نیز نمی‌توان ادعا کرد که پرسشواژه‌ها در کردی سنندجی، رفتار آمیخته‌ای را از خود نشان می‌دهند. همچنین در داده‌هایی، حرکت فراگیر پرسشواژه از تأثیر تطبیقی تأثر می‌پذیرد و خلأ موجود در ساخت همپایه با آن منطبق است. داده‌ها نشان دادند که حرکت پرسشواژه افزوده‌ای در کردی سنندجی به حاشیه‌ی چپ، محصول مبتدashedگی و کانونی‌سازی است و عبارت پیش‌اندازی شده، در جایگاه مشخص‌گر در داخل فراقن گروه کانون فرود می‌آید و حرکت پرسشواژه افزوده‌ای در ساخت همپایگی، در این گونه‌ی زبانی، اختیاری است و در صورت منطقی انجام می‌پذیرد.

#### واژه‌های کلیدی:

ادغام موازی  
پرسشواژه در جای اصلی  
حرکت فراگیر  
کردی سنندجی  
همپایگی

#### تاریخچه مقاله:

دریافت: ۲۰ خردادماه ۱۴۰۱

پذیرش: ۲۹ تیرماه ۱۴۰۱

\* آدرس ایمیل نویسنده مسئول: y.karimi@uok.ac.ir

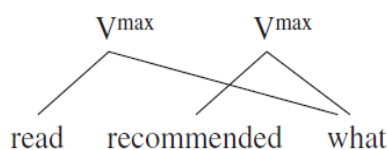
## ۱. مقدمه

جمله ممکن است از بیش از یک جمله اصلی پدید آمده باشد و یا ممکن است به صورت رشته‌ای از دو یا چند بند اصلی پیوند یافته به دنبال هم با یکی از حروف ربط هم‌پایه‌ای تولید شود (مشکوه‌الدینی، ۱۳۸۴: ۲۳۴). گاه در ساخت همپایه، دو پرسشواژه در دو بند، همپایه می‌شوند و هم‌زمان تحت حرکت فراگیر قرار می‌گیرند. درباره ماهیت حرکت فراگیر پرسشواژه<sup>۱</sup> از دو بند همپایه و اینکه چه نوع پرسشواژه‌هایی می‌توانند تحت این فرایند قرار گیرند، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارند.

در حوزه مطالعات نحو زایشی، حرکت فراگیر پرسشواژه از دو بند همپایه مورد توجه پژوهشگران بسیاری بوده است. در این پژوهش، مشخصاً رویکرد سیتکو<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) به حرکت فراگیر پرسشواژه، مدنظر است. او رویکرد اشتراک‌گذاری را در اشتقاق این نوع از ساختار، برای عنصری که تحت حرکت فراگیر قرار گرفته است، پیشنهاد نموده است. از نظر سیتکو (۲۰۰۵)، حرکت فراگیر پرسشواژه، خروج هم‌زمان عنصر پرسشواژه از دو سازه همپایه است و در این حالت، پرسشواژه به اشتراک گذاشته شده، به صورت هم‌زمان حالت مورد نیاز دو فعل مجزا را در بندهای همپایه برآورده می‌سازد و عملیات مطابقت به صورت هم‌زمان انجام می‌شود (سیتکو، ۲۰۰۵: ۴۷۹). به عنوان مثال در (1)، پرسشواژه، در بین دو بند (TP) به اشتراک گذاشته شده است، سپس در جایگاه مشخص‌گر گروه متمم‌ما فرود آمده است.

## 1. What did John recommended and Mary read - ?

سیتکو (۲۰۰۵) دو عامل مؤثر بر تفسیر پرسشواژه‌های فراگیر را، استراتژی همپایگی و خروج به حاشیه سمت چپ می‌داند و معتقد است که حرکت فراگیر پرسشواژه، در ساخت ادغام متقارن که در نمودار (1) مشخص شده است، ناشی از عملیات ادغام موازی در ساختار اشراف چندگانه است، بدین صورت که ابتدا [read] با پرسشواژه [what] ادغام خارجی می‌شود و هم‌زمان [recommended] با پرسشواژه [what] نیز ادغام موازی می‌شود.



نمودار (۱) اشتراک‌گذاری پرسشواژه در ساخت ادغام متقارن (سیتکو، ۲۰۰۵: ۴۷۹)

ساختار اشراف چندگانه، یک ترکیب در بین ادغام خارجی و ادغام موازی ایجاد می‌کند و یک پرسشواژه در بین دو گره فعلی به اشتراک گذاشته می‌شود. سپس هر یک از فرافکن‌ها نیز وارد اشتقاق‌های بعدی می‌شوند

<sup>1</sup> across the board wh - movement

<sup>2</sup> Citko

و نهایتاً اشتقاق موازی باهم یکی می‌شوند و در انتهای عملیات، پرسشواژه به مشخص‌گر گروه متمم‌نما، ادغام دوباره داخلی می‌گردد. در این پژوهش تلاش می‌شود که حرکت فراگیر پرسشواژه از دو بند همپایه، در کردی سنندجی بر طبق این رویکرد، بررسی شود. از آنجایی که کردی سنندجی، متعلق به گروه زبانی پرسشواژه در جای اصلی (ابقایی) است، وجود ادغام متقارن در ساخت همپایگی پرسشواژه‌ای می‌تواند پرسش‌برانگیز باشد. در داده‌ای مانند (2a) پرسشواژه موضوعی [ke] در جایگاه مفعول، رفتار ابقایی دارد و از رویکرد اشتراک‌گذاری سیتکو (۲۰۰۵) پیروی نمی‌کند.

Ronak ke di ? u di ke 2a. Hiwa  
هیوا که را دیدن-گذشته. ۳مفرد و روناک که را دیدن-گذشته. ۳مفرد  
هیوا چه کسی را دید و روناک چه کسی را دید؟

در (2a) پرسشواژه موضوعی [ke] تحت حرکت فراگیر قرار نمی‌گیرد و حرکت فراگیر پرسشواژه موضوعی به گروه متمم‌نما، ساختار نادستوری (2b) را موجب می‌شود.

di ? di u Ronak 2b. \*ke Hiwa

از طرفی در داده‌ای مانند (2c)، پرسشواژه [ke] در جایگاه پیش‌فعلی منفرد نیست و با حرف‌افزافه [bæ] هم‌بسته است. در داده‌ی (2d)، پرسشواژه [ke]، سازه حرف‌افزافه را با خود می‌کشد<sup>۱</sup> و به نظر می‌رسد که گروه پرسشواژه [bæ ke]، در داده‌ی (2d)، به فرافکن حاشیه‌چپ حرکت نموده است، در (2c) و (2d) فقط یک‌بار تلفظ شده است، اما در هر دو بند از ساختار هم‌پایه تعبیر و دامنه معنایی دارد.

? wæle Narin rei nada rei da bæ ke 2c. Zana  
زانا به کی دادن رأی- گذشته. ۳مفرد ولی نارین دادن-نفی رأی- گذشته. ۳مفرد  
زانا به چه کسی رأی داد ولی نارین رأی نداد؟

? wæle Narin rei nada 2d. bæ ke Zana rei da  
به کی زانا دادن رأی- گذشته. ۳مفرد ولی نارین دادن-نفی رأی- گذشته. ۳مفرد  
به چه کسی زانا رأی داد ولی نارین رأی نداد؟

در (2e) نیز گروه پرسشواژه موضوعی [bo kwe] به معنای (به کجا) در جایگاه پیش از فعل در هر دو بند قرار گرفته است:

2e. Hiwa bo kwe æçet u Narin bo kwe æçet  
هیوا ۳مفرد. حال-رفتن کجا به نارین و ۳مفرد. حال-رفتن کجا به  
هیوا به کجا می‌رود و نارین به کجا می‌رود؟

<sup>۱</sup> pied-piping

در (2e) پیش‌بندسازی پرسشواژه [bo kwe] در هر بند، اختیاری است و پرسشواژه بدون هیچ حرکت اجباری برخلاف زبان انگلیسی در سازه موردنظر جایگزین شده است؛ اما نمی‌توان از دو بند همپایه در (2e)، خوانش تک جفتی داشت. با توجه به داده‌های مطرح‌شده، دو پرسش پیش روی این پژوهش قرار می‌گیرد، یکی اینکه، اصولاً آیا می‌توان در کردی سنندجی قائل به حرکت فراگیر پرسشواژه ناشی از ادغام موازی سیتکو (۲۰۰۵) شد؛ و پرسش دوم اینکه، خطی‌سازی پرسشواژه‌ی به اشتراک گذاشته‌شده در ساخت ادغام متقارن، به چه صورت است. درباره ماهیت حرکت فراگیر پرسشواژه در کردی سنندجی هنوز پژوهشی انجام نگرفته است و از این لحاظ، این مقاله، پژوهشی نو محسوب می‌شود.

## ۲. پیشینه پژوهش

از پژوهش‌های داخلی در رابطه با ساخت همپایه پرسشواژه‌ای می‌توان به پژوهش کریمی و واعظی (۱۳۹۷) اشاره نمود. آن‌ها در این پژوهش، خصوصیات نحوی و معنایی همپایگی دو پرسشواژه را بر طبق اصول ادغام موازی در زبان فارسی، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. از نظر کریمی و واعظی (۱۳۹۷) در همپایگی پرسشواژه‌ای خصیصه‌هایی چون تبعیت نکردن از قانون همسانی همپایه‌ها، پس‌بندسازی، خوانش تک جفتی و محدودیت در تعداد هم‌پایه‌ها، آن را از دو ساخت همپایگی معمول و پرسش‌های چندگانه، متفاوت می‌سازد. از نظر آنان همپایگی پرسشواژه‌ای دارای واقعیت نحوی نیست و همپایگی پرسشواژه در ساختاری دوبندی روی می‌دهد و هر کدام از پرسشواژه‌های شرکت‌کننده در همپایگی به صورت مجزا در یکی از بندها ادغام می‌شوند و بندهای مذکور مشتق از ادغام موازی‌اند.

در پژوهش داخلی دیگری، ساداتی نوش‌آبادی و همکاران (۱۳۹۹) ادغام متقارن در نحو زبان فارسی را بر اساس شواهدی از جمله‌های هم‌پایه پرسشواژه‌ای دارای حرکت فراگیر مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. در بررسی آن‌ها، ساخت‌های ادغام متقارن ناشی از ادغام موازی در زبان فارسی موجودند و ویژگی‌هایی مانند، گروه اسمی مشترک در بین دو بند همپایه و عدم قرارگیری بیشتر از یک پرسشواژه در جایگاه مشخص‌گر گروه پیشینه متمم‌نما، از دلایل وجود این نوع ساخت در زبان فارسی هستند.

در تحلیل حرکت فراگیر پرسشواژه، مولتمن<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) ادعان می‌دارد که عبارت پرسشواژه، قبل از اینکه به مشخص‌گر متمم‌نما حرکت کند، به اشتراک گذاشته شده است. هم‌پایگی موردنظر او، رویکردی چندگانه را پوشش دهد که بر اساس فرایند جدیدی که او آن را «هم‌پایگی ضمنی‌آ» نامیده است، شکل گرفته است. پیشنهاد او حرکت فراگیر به صورت نشانگرهای سه‌بعدی است. از نظر مولتمن (۱۹۹۲)، با توجه به این فرض که یک گروه

<sup>۱</sup> Moltmann, F.

<sup>۲</sup> implicit coordination

مشخص گر یا (spec CP) وجود دارد، در ساخت همپایگی (3) هیچ راهی وجود ندارد که دو گره NP با تسلط سازه‌ای منفرد بتوانند به مشخص گر متمم نما، حرکت کنند.

(3)

a. *What did John give t to Bill and Sue show t to Mary?*  
 b.

بنابراین آنچه در این دو هم‌پایه موجود است باید در موقعیت اصلی خود نیز توسط همان گره NP مورد تسلط سازه‌ای قرار گیرد. پس در نتیجه ساخت (3) از دید مولتمن (۱۹۹۲) باید ساختی مانند (4) باشد:

(4)

یعنی در رویکرد مولتمن (۱۹۹۲) عبارت پرسشواژه در ساخت (4) قبل از حرکت به مشخص گر متمم‌نما (spec CP) به اشتراک گذاشته شده است. نمونه جدیدتر این رویکرد مربوط به سیتکو (۲۰۰۵؛ ۲۰۰۰) است که با مطرح نمودن ادغام موازی خوانش جدیدی از این نوع اشتراک‌گذاری را ارائه کرده است.

سیمپسون و بهاتاچاریا<sup>۱</sup> (۲۰۰۳)، بر این باورند که این فرض که زبان بنگلا یک‌زبان (SOV) است و در رده زبان‌های پرسشواژه در جای اصلی (wh-in-situ) فرض شده‌اند، نادرست است و در واقع این زبان حرکت آشکار اجباری پرسشواژه<sup>۲</sup> دارد که از زیرساخت ترتیب واژگان (SVO) در این زبان ناشی شده است؛ و این مختصات، در محدودیت‌های موجود در دامنه عملکرد پرسشواژه‌ها<sup>۳</sup> و احتمالات ترتیب اختیاری واژگان، مشخصاً با بندهای مکمل آشکار می‌شود. این تغییر دیدگاه در مورد زبان SOV بنگلا، این امکان را برای دیگر زبان‌های مشابه که در رده زبان‌های SOV قرار دارند را ایجاد می‌کند و اتخاذ رویکرد مشابه بنگلا در دیگر زبان‌های با پرسشواژه در جای اصلی را فراهم می‌آورد.

جانسون<sup>۴</sup> (۲۰۰۹) خلأ نحوی را یک نوع قاعده حرکت نحوی و به‌صورت حرکت فراگیر<sup>۵</sup> در نظر می‌گیرد. در واقع در این رویکرد، خلأ موجود، رد عنصر حرکت کرده محسوب می‌شود و دو عنصر در دو هم‌پایه به‌صورت

<sup>1</sup> Simpson, A. & Bhattacharya, T.

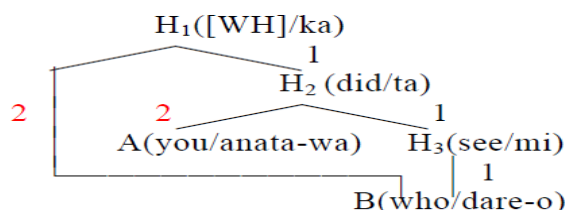
<sup>2</sup> overt obligatory wh-movement

<sup>3</sup> wh-scope

<sup>4</sup> Johnson, K

<sup>5</sup> across the Board movement

موازی از داخل همپایه‌ای که به آن متعلق‌اند حرکت کرده و در جایگاهی بالاتر در ساخت درج می‌شوند. جانسون (۲۰۰۹) این نوع حرکت هم‌زمان دو عنصر از داخل دو همپایه یا بیشتر را حرکت فراگیر نامیده است. ابه و ناکائو<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) اظهار می‌دارند که حرکت فراگیر حتی در شرایطی که PRO در دسترس نیست امکان‌پذیر است. آن‌ها همچنین نشان می‌دهند که حرکت فراگیر در ژاپنی امکان‌پذیر است و این امکان از طریق ارتقاء گره چپ<sup>۲</sup> شکل می‌گیرد. در ارتقاء گره چپ، دو بند همپایه می‌شوند و یک عنصر مشترک در سمت چپ جمله در حاشیه چپ در هر دو بند تفسیر می‌شود. در این راستا، ارتقاء گره چپ شبیه به ارتقاء گره راست در زبان انگلیسی است. جایی که عنصر به اشتراک گذاشته‌شده در منتهی‌الیه سمت راست ساخت همپایه است. یاسویی<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) به بررسی رویکرد ساختار اشراف چندگانه، به حرکت پرسشواژه و ارتقاء گره راست با تمرکز بر تفاوت‌های پارامتریک آن‌ها بین زبان انگلیسی به‌عنوان یک‌زبان با ترتیب (S-H-C) و زبان ژاپنی با ترتیب (S-C-H) پرداخته است، یاسویی (۲۰۱۱)، خطی‌سازی ساختار حاوی پرسشواژه را با استفاده از گراف‌های به دو زبان نوشته‌شده<sup>۴</sup> همانند نمودار (۲) که عاری از برجسب هستند، تبیین نموده است؛ و سعی در خطی‌سازی ساختار به شیوه‌ی پیمایشی<sup>۵</sup> را داشته است؛ به گونه‌ای که از توالی سلسله مراتبی هسته‌ها، ترتیب حاصل شود.



نمودار (۲): گراف دوزبانه‌ی انگلیسی/ژاپنی (یاسویی، ۲۰۱۱: ۶)

و بدین شیوه، اجباری بودن حرکت پرسشواژه در انگلیسی و اختیاری بودن حرکت پرسشواژه در ژاپنی را تبیین نموده است.

در پژوهشی دیگر دوریس<sup>۷</sup> (۲۰۱۷) اذعان می‌دارد که انواع مختلفی از مشخصه‌ها، از جمله خصیصه حالت، می‌تواند بر روی چندین سازه هم‌پایه گسترش‌یافته و اعطا شود و این مقید شدن با چندین مرجع ضمیر در خارج از دامنه ساخت همپایه، ممکن است مربوط به متغیرهای وابسته به ضمیر، در چندین ساخت هم‌پایه، به‌طور هم‌زمان باشد. از نظر او تبیین ساختارهای اشراف چندگانه به شکل چندبعدی میسر است و حرکت فراگیر

<sup>1</sup> Abe, J. & Nakao, C.

<sup>2</sup> left node raising

<sup>3</sup> Yasui

<sup>4</sup> bilingual graph

<sup>5</sup> traversal

<sup>6</sup> hierarchical sequence of heads

<sup>7</sup> De Vries, M.

به‌طور کلی می‌تواند به‌عنوان مکمل‌های یک به چند تعریف شود. نمونه‌های استاندارد؛ همانند مثال (5) شامل خروج عبارت پرسشواژه به‌صورت هم‌زمان از دو بند همپایه است.

5. Which teacher did John like \_ and Sue hate \_?

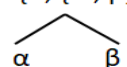
در پژوهش دوریس (۲۰۱۷) موضوعات مرتبط با ساختارهای اشراف چندگانه، از دیدگاه فعلی تحلیل شده‌اند و مرجع ضمیرهای دویخشی<sup>۱</sup> و وابستگی‌های چندگانه<sup>۲</sup> پیش‌رو و پس‌رو مورد توجه قرار گرفته‌اند.

### ۳. چارچوب نظری پژوهش

در رویکرد مورد نظر سیتکو (۲۰۰۵)، اشتراک‌گذاری عنصر پرسشواژه، ناشی از ادغام موازی در ساختار اشراف چندگانه است، لذا در این رویکرد، ماهیت فرایند ادغام و نحوه عملکرد آن، حائز اهمیت است. در برنامه کمینه‌گرا، عملیات ادغام و حرکت عهده‌دار تشکیل ساختارهای زبانی‌اند (چامسکی، ۱۹۹۵: ۲۲۶). سازوکار مسئول جابجا شدگی در برنامه کمینه‌گرا، ادغام داخلی است و اغلب از آن به‌عنوان حرکت نام‌برده می‌شود. چامسکی (۱۹۹۵)، حرکت را به‌عنوان دنباله‌ای<sup>۳</sup> از سه عملیات کپی، ادغام و حذف پردازش می‌کند. در برنامه کمینه‌گرا، ساده‌ترین نوع ادغام در نحو محض، ادغام دو عنصر متمایز  $\alpha$  و  $\beta$  و تشکیل مجموعه دو عضوی  $\{\alpha, \beta\}$  است که ادغام مجموعه‌ای نامیده می‌شود و تشکیل عنصر بزرگ‌تر، یعنی  $\gamma$  را می‌دهد (چامسکی، ۱۹۹۵: ۳۹۶).

$\alpha, \beta \rightarrow$  ورودی

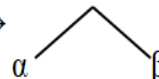
$\{\alpha, \{\alpha, \beta\}\}$  خروجی



نمودار (۳): ورودی و خروجی ادغام مجموعه‌ای

حالت‌های ادغام مجموعه‌ای عبارت‌اند از ادغام داخلی و ادغام خارجی. این دو حالت از هم متمایز هستند. ادغام خارجی، نمودار (۲) نوع متعارف ادغام<sup>۴</sup> است که دو ساخت ریشه‌ای متمایز را به هم پیوند می‌زند و تبدیل به یک ساخت می‌نماید. برنامه کمینه‌گرا، سازوکار مسئول بازگشت را ادغام خارجی می‌داند. ادغام مجموعه‌ای در این حالت خارجی است و ساخت موضوعی را ایجاد می‌نماید.

$\alpha, \beta \rightarrow$



نمودار (۴): ادغام خارجی

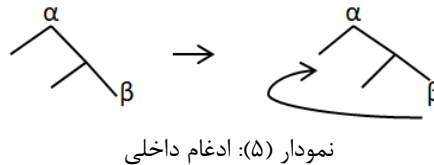
<sup>1</sup> split antecedent

<sup>2</sup> multiple dependencies

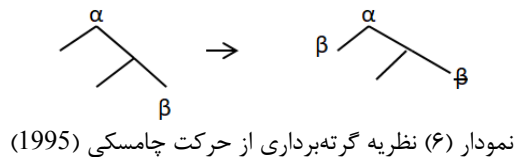
<sup>3</sup> sequence

<sup>4</sup> canonical type of merge

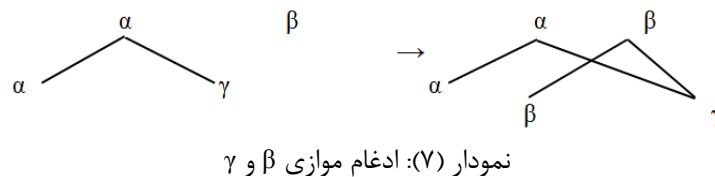
اگر  $X$  و  $Y$  ادغام شوند و  $Y$  جزئی از  $X$  باشد، در این حالت فرض بر این است که ادغام داخلی است و در واقع آنچه ادغام داخلی، نمودار (۵) را از ادغام خارجی متمایز می‌سازد این است که در ادغام داخلی،  $\alpha$  و  $\beta$  عناصر مجزا نیستند و ادغام داخلی یک عنصر را که زیر بخش<sup>۱</sup> عنصر دیگر است ترکیب می‌نماید. چامسکی (۲۰۰۸: ۱۴۱) انتظار دارد که زبان از ادغام داخلی، جهت جداسازی ویژگی‌های معنایی از ساخت موضوعی تعمیم یافته استفاده نماید و تا حد زیادی این طراحی درست به نظر می‌رسد.



سازوکار مسئول جابجا شدگی در برنامه کمینه‌گرا، ادغام داخلی است که اغلب از آن به‌عنوان حرکت نام‌برده می‌شود. در فرایند حرکت (ادغام داخلی) نمی‌تواند از خود ردی در جایگاه‌های اولیه بر جا بگذارد و از طرف دیگر در این جایگاه‌ها، رابطه خواهی با شریک اولیه ادغام نیز نمی‌تواند به‌طور کامل تهی باشد، چراکه منجر به تغییر روابط ساختاری می‌شود، نتیجتاً رونوشت‌ها ملزم به حفظ روابط ساختاری‌اند.



از طرفی سینکو (۲۰۰۵؛ ۲۰۰۳؛ ۲۰۰۰) ادغام موازی<sup>۲</sup> را مطرح کرده است. نمودار (۷) نشان می‌دهد که ادغام موازی، یک رابطه‌ی متقارن دوتایی است. در این نوع ادغام،  $\gamma$  عنصر مشترک<sup>۳</sup> بین  $\alpha$  و  $\beta$  است. وجود ادغام موازی از تبعات دیدگاه چامسکی (۲۰۰۱) درباره ساخت گروهی و حرکت<sup>۴</sup> است.



<sup>1</sup> subpart

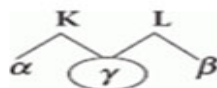
<sup>2</sup> parallel merge

<sup>3</sup> pivot

<sup>4</sup> phrase structure and movement



ادغام متقارن<sup>۱</sup> بحث‌های نظری و تجربی را در راستای ساختار اشراف چندگانه متقارن<sup>۲</sup>، فراهم ساخته است. نمودار (۸)، حاکی از آن است که در ساختار سازی هر جا که ادغام موازی وجود دارد، یک گره اشراف چندگانه شده است. در نمودار (۸)،  $\gamma$  دو گره مادر دارد.

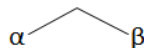


نمودار (۸): ساختار اشراف چندگانه متقارن

در برنامه کمینه‌گرا، علاوه بر عملیات ادغام متقارن به وجود عملیات دیگری برای توجیه عدم تقارن موجود در سازه‌های الحاقی یا افزوده<sup>۳</sup> نیاز است که ادغام جفتی<sup>۴</sup>، نام دارد. این نوع از ادغام، یک فضای کاری نامتقارن است؛ به‌عنوان مثال در بین دو واژه در عبارتی مانند «مرد جوان» عدم تقارن وجود دارد، زیرا که این عبارت باوجود صفت جوان، بازهم یک عبارت اسمی است، بنابراین در این عبارت، واژه «جوان» افزوده است و این حالت، متفاوت از ادغام متقارن است (چامسکی، ۲۰۲۰: ۴۹). ادغام جفتی، طی یک عملیات نامتقارن، دو عنصر  $\beta$  و  $\alpha$  را ترکیب و جفت مرتب  $\langle \alpha, \beta \rangle$  را می‌سازد که در آن،  $\alpha$  به  $\beta$  پیوست<sup>۵</sup> شده است. در نمودار (۹)، محصول ادغام جفتی، زوج مرتب  $\langle \alpha, \beta \rangle$  است.

$\alpha, \beta \rightarrow$  ورودی

$\{ \alpha, \langle \alpha, \beta \rangle \}$  خروجی



نمودار (۹): ورودی و خروجی ادغام جفتی

از نظر سیتکو (۲۰۰۵) پرسشواژه‌های فراگیر<sup>۶</sup>، از دو یا چندسازه هم‌پایه به‌صورت هم‌زمان، خارج می‌شوند که در این رویکرد به آن حرکت فراگیر پرسشواژه اطلاق می‌گردد (سیتکو، ۲۰۰۵: ۴۸۱). در این حالت ویژگی‌های تعبیرناپذیر<sup>۷</sup> به شکل ارزش‌گذاری نشده وارد اشتقاق می‌شوند. در نمودار (۱۰)، هر دو هسته  $v$ ، حاوی ویژگی‌های ارزش‌گذاری نشده هستند و از طرف دیگر پرسشواژه موضوعی شامل ویژگی حالت<sup>۸</sup> ارزش‌گذاری نشده

<sup>۱</sup> symmetric merge

<sup>۲</sup> symmetric multidominant structure

<sup>۳</sup> adjunct

<sup>۴</sup> pair merge

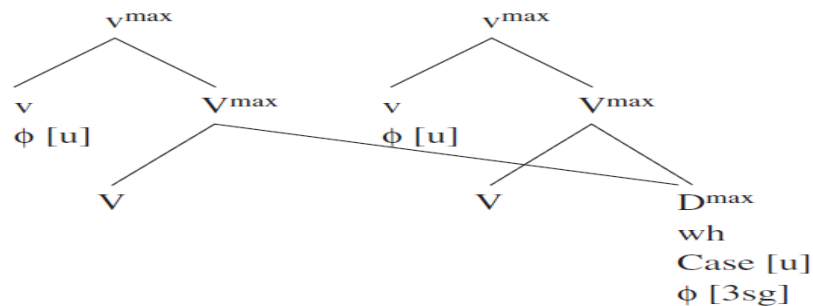
<sup>۵</sup> adjoin

<sup>۶</sup> ATB-Wh-questions

<sup>۷</sup> uninterpretable

<sup>۸</sup> case

است. اینجاست که عملیات مطابقه<sup>۱</sup> ارزش‌هایی را برای ویژگی‌های ارزش‌گذاری نشده، تحت شرایط ساختاری مناسب فراهم می‌کند.



نمودار (۱۰): اشتراک‌گذاری پرسشواژه (سیتکو، ۲۰۰۵: ۴۸۱)

قابل‌ذکر است که در این رویکرد، عملیات مطابقه در هر دو بند هم‌زمان انجام می‌پذیرد تا که اجازه دهد، عنصر مشترک برای هر دو کاوشگر<sup>۲</sup> فعال باشد. سپس پرسشواژه از ساخت همپایه به‌صورت فراگیر حرکت می‌کند؛ و این حرکت پرسشواژه از نوع فراگیر و خروج به حاشیه سمت چپ است. ذکر این نکته در این بخش لازم است که در برنامه کمینه‌گرا بحث باز ادغام<sup>۳</sup> مطرح است و در این حالت وجود رونوشت کمینه نیست، یعنی یک عنصر هم‌زمان در دو جایگاه وجود دارد.

### ۳-۱. روش پژوهش

در این پژوهش، حرکت فراگیر پرسشواژه از ساخت همپایه در کردی سنندجی بر پایه ادغام موازی (سیتکو، ۲۰۰۵)، مورد مطالعه قرار گرفته است. این پژوهش در زیرگروه پژوهش‌های کتابخانه‌ای و از نوع توصیفی-تحلیلی بوده است. ابتدا اطلاعات نظری در رابطه با حرکت فراگیر پرسشواژه، از کتاب‌ها و مقالات مرتبط جمع‌آوری شده‌اند؛ سپس با استفاده از روش میدانی، مکالمات روزمره‌ی گویشوران کردی سنندجی ضبط و گردآوری شده‌اند و از میان آن‌ها، ساخت‌های همپایگی پرسشواژه‌ای انتخاب شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در این مطالعه، شیوه‌ی انتخاب گویشوران به‌صورت اتفاقی و ضمنی بوده و در جمع‌آوری داده‌ها تنها ملاک انتخاب گویشوران در دسترس بودن آن‌ها بوده است. داده‌های مورد مطالعه در این پژوهش، گفتاری بوده‌اند و از مکالمات روزمره گویشوران در شهر سنندج، برگرفته شده‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌های مورد نظر، عمدتاً متکی بر تحلیل عقلانی و شم

<sup>1</sup> agree operation

<sup>2</sup> probe

<sup>3</sup> remerge

زبانی یکی از پژوهشگران به‌عنوان گویشور کردزبان بوده است. همچنین، نا دستوری بودن بعضی از داده‌ها، توسط گویشوران سنندجی، مورد قضاوت زبانی قرار گرفته‌اند.

#### ۴. تحلیل داده‌ها

ترتیب واژگانی آزاد و ویژگی پرسشواژه در جای اصلی<sup>۱</sup> تجزیه و تحلیل ساخت پرسشواژه را در زبان کردی از زبانی مانند انگلیسی متفاوت می‌سازد. در کردی سنندجی، پرسشواژه می‌تواند بدون هیچ حرکت اجباری برخلاف زبان انگلیسی در سازه موردنظر جایگزین گردد. با در نظر گرفتن ویژگی پرسشواژه در جای اصلی و ترتیب واژگانی آزاد در زبان کردی سنندجی، به نظر می‌رسد که به اشتراک‌گذاری پرسشواژه در دو ساخت همپایه می‌تواند قابل بررسی باشد. سیتکو (۲۰۰۵) حرکت فراگیر عبارت پرسشواژه را ناشی از به اشتراک‌گذاری و مشتق از عملیات ادغام موازی می‌داند؛ بدین طریق که دو TP با هم همپایه می‌شوند و به‌طور یکسان گره پرسشواژه را به اشتراک می‌گذارند. در این حالت کلمه پرسشی که عنصر هدف است، در جایگاه مفعول حالت موردنیاز دو فعل را یا به‌وسیله خروج از متمم یک فعل به متمم فعل دیگر و یا به‌وسیله ادغام شدن در جایگاه متمم هر دو فعل تأمین می‌نماید (سیتکو، ۲۰۱۱: ۶۰).

در زبان‌های پرسشواژه در جای اصلی<sup>۲</sup>، به‌طور گسترده، پرسشواژه در جای اصلی قرار می‌گیرد. کردی سنندجی، زبانی فاقد حرکت آشکار پرسشواژه است؛ اما باین وجود، در کردی سنندجی با داده‌هایی روبرو هستیم که می‌توان از آن‌ها خوانش به اشتراک‌گذاری گروه پرسشواژه، در بین دو بند همپایه را داشت به‌عنوان مثال در (5a). گروه پرسشواژه یا عنصر هدف موردنظر، [Læ kam dars] است که در بین دو گره فعلی [xwæši ted] و [qini tet] به اشتراک گذاشته شده است.

qini ted Læ kam dars? wæle Tara xwæši ted 5a. Hiwa

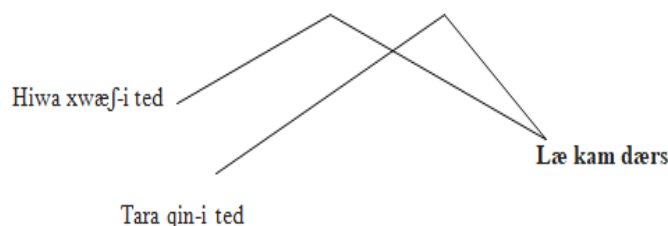
هیوا خوش-cl<sup>۳</sup> آمدن. ۳ مفرد. حال ولی تارا بدش-cl آمدن. ۳ مفرد. حال از کدام درس  
هیوا خوشش میاد ولی تارا بدش میاد از کدام درس؟

درواقع دو بند موجودند که یک عبارت پرسشی را به اشتراک گذاشته‌اند؛ و [Læ kam dars] به‌طور هم‌زمان وارد یک رابطه متقارن دوسویه با دو فعل مذکور شده است (نمودار ۱۱).

<sup>۱</sup> wh- in situ

<sup>۲</sup> wh- in situ

<sup>۳</sup> clitic



نمودار (۱۱): به اشتراک گذاری عبارت پرسشواژه

به عبارتی دو کاوشگر و یک هدف، وارد یک رابطه مطابقه چندگانه<sup>۱</sup> شده‌اند و عنصر هدف می‌تواند ویژگی‌های حالت خود را با دو هسته ۷ و ویژگی‌های فای<sup>۲</sup> دو فعل را به صورت هم‌زمان ارزش‌گذاری کند. در نمودار (۱۱) به اشتراک‌گذاری سازه حاوی پرسشواژه در منتهی‌الیه هم‌پایه دوم واقع شده است. در داده‌هایی از این دست، در گونه زبانی مورد نظر، با یک دوگانگی<sup>۳</sup> روبرو هستیم، با توجه به ترتیب نسبتاً آزاد واژگان در کردی سنندجی، یک تصویر آینه‌ای از (5a) به شکل (5b) نیز در کردی سنندجی کاربرد دارد، یعنی در حالت مذکور، به اشتراک‌گذاری سازه حاوی پرسشواژه می‌تواند در حاشیه چپ نیز واقع شود (5b):

[TP<sub>2</sub> Tara qini ted - ]? u ]- xwæʃi ted 5b. Læ kam dars [&P [TP<sub>1</sub> Hiwa

در ساخت همپایگی (5b) وقوع گروه اسمی [ Læ kam dærs ] در حاشیه چپ هم‌پایه نخست، دارای هیچ خطای ساختوازی و نحوی نیست و دستوری<sup>۴</sup> محسوب می‌شود؛ توجه به این نکته لازم است که گروه اسمی [ Læ kam dærs ] فاعل جمله نیست، بنابراین نمی‌تواند در [Spec TP/VP] قرار داشته باشد و در واقع مفعول ted [ Hiwa xwæʃi ] و [ Tara qini ted ] است. همچنین ساخت همپایه مورد نظر، مجهول نیست و در این حالت تنها گزینه مورد نظر که یک عنصر در حالت موضعی می‌تواند در آن در نظر گرفته شود و خارج از IP/TP باشد، فرافکن گروه مبتدا در حاشیه چپ یا [Spec, TopP] است. ناگفته نماند که پرسشواژه‌های بافت مقید از این دست در گونه کردی سنندجی کاربرد دارند و می‌توانند در جایگاه مشخص‌گر گروه کانون فرود آیند.

در (5b) گروه پرسشواژه [ Læ kam dærs ] بر هر دو بند همپایه، دامنه معنایی<sup>۵</sup> دارد و با این وجود که محصول پرسشواژه در جای اصلی است، به نظر می‌رسد که در بین دو بند، به اشتراک گذاشته شده است. نکته مهمی که باید بدان اشاره کرد این است که در خوانش تک جفتی، حرکت مسئول خطی‌سازی ساختار است و عبارت پرسشواژه باید آشکارا حرکت کند (سیتکو، ۲۰۰۵: ۴۸۸). همان‌گونه که اشاره شد، در (5b) نمی‌توان قائل به این شد که در فرایند خطی‌سازی، عبارت حاوی پرسشواژه به صورت آشکارا به فرافکن گروه پیشینه حرکت

<sup>1</sup> multiple agree

<sup>2</sup> φ-features

<sup>3</sup> dichotomy

<sup>4</sup> grammatical

<sup>5</sup> scope

کرده باشد، زیرا که هم (5a) و هم (5b) در گونه کردی سنندجی کاربرد دارند و ساختارهایی چون (5a) و (5b) محصول پرسشواژه در جای اصلی هستند و این داده‌ها نمی‌توانند ناشی از حرکت آشکار پرسشواژه باشند؛ زیرا که مضمون مفهوم این نوع از حرکت نمی‌باشند و باوجوداینکه سازه [Læ kam dærs] در هر دو ساختار در جایگاه خاصی در عبارت همپایه ظاهر شده‌اند اما خوانش آن‌ها در جایگاه دیگری رخ نداده است و اگر پرسشواژه در چنین سازه‌هایی پیش‌ساز شده باشد، از تبعات عوامل کلامی و به عبارتی می‌تواند حاصل از مبتداسازی باشد. لذا می‌توان فرض کرد که فرافکن گروه مبتدا در حاشیه چپ، دارای مشخصه لبه است که منجر به جذب پرسشواژه‌ی مورد نظر به جایگاه مشخص‌گر در گروه مبتدا می‌شود. در این موقعیت، مشخصه لبه در C مستقل از مطابقت عمل می‌نماید و به C اجازه می‌دهد که هر نوع سازه‌ای را جذب کند. در چنین موقعیتی که با خوانش تک جفتی در ساخت همپایه روبرو هستیم، می‌توان حرکت فراگیر پرسشواژه به صورت پنهان<sup>۱</sup> را مطرح کرد. وجود حرکت فراگیر به صورت پنهان در ساخت همپایه می‌تواند مجرای مباحث نظری و تجربی باشد و به نظر می‌رسد که در این حالت، محصول حرکت فراگیر پرسشواژه، مبتداسازی است.

مبتداسازی در زبان چینی که زبانی پرسشواژه در جای اصلی است به چشم می‌خورد. به عنوان مثال در ساخت همپایه (6) در زبان چینی، پرسشواژه دستخوش مبتداسازی شده است و به حاشیه چپ در فرافکن گروه مبتدا حرکت کرده است (پن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱: ۲۳۴).

6. Na-wei zuojia [&P [IP<sub>1</sub> Zhangsan xihuan e] [IP<sub>2</sub> Lisi

which-cl. writer Zhangsan like Lisi

bu xihuan e ]]?

neg. like

‘Which writer does Zhangsan like but Lisi dislike?’ (pan, 2011:234)

در ساخت همپایه (7a)، در پاسخ به بندهای شامل می‌توان خوانش چند جفتی داشت و در این حالت،

در پاسخ هر بند می‌توان اشاره به درسی مجزا داشت:

7a. Læ kam dars Hiwa xwæši ted u Læ kam dars Tara qini ted?

از کدام خوش هیوا درس-cl=آمدن. حال. ۳مفرد و از کدام تارا درس بد-cl=حال. ۳مفرد. آمدن

از کدام درس هیوا خوشش می‌آید و از کدام درس تارا بدش می‌آید؟

در (7a) که خوانش چند جفتی دارد، دیگر نمی‌توان قائل به اشتراک‌گذاری عنصر پایه شد، زیرا که پرسشواژه در

هر بند رفتار ابقایی دارد. پاسخ به بندهای شامل در (7a)، خوانش چند جفتی در (7b) است که به صورت درج‌جای

اصلی درج شده‌اند.

7b. Læ dærs farsi Hiwa xwæši ted u Læ dærs Riazi Tara qini ted

از درس خوش هیوا فارسی-cl=آمدن. حال. ۳مفرد و از درس تارا ریاضی بد-cl=حال. ۳مفرد. آمدن

<sup>1</sup> covert ATB wh- movement

<sup>2</sup> Pan

از درس فارسی هیوا خوشش می‌آید و از درس ریاضی ملودی بدش می‌آید.

در دسترس بودن دو خوانش تک جفتی و چند جفتی، به این مسئله تقلیل می‌یابد که کدام رونوشت‌ها (کپی) در این خوانش‌ها در بخش منطقی (LF) حذف می‌شوند و اینکه چه عواملی باعث می‌شود که یک خوانش بر خوانش دیگر ابراهام نداشته باشد. سیتکو (۲۰۱۱)، دو مشتق احتمالی را مطرح کرده است که منجر به خوانش‌های مذکور از این نوع داده‌ها می‌شوند؛ یکی استراتژی همپایگی است و دیگری خروج به حاشیه سمت چپ<sup>۱</sup> است. در نظریه گرت‌پرداری از حرکت، چامسکی (۱۹۹۵)، حرکت را دنباله‌ای<sup>۲</sup> از سه عملیات (کپی، ادغام و حذف) پردازش می‌کند. همچنین از منظر چامسکی (۲۰۱۳) وقتی یک عنصر حرکت می‌کند آن عنصر همچنان در جایگاه قبلی باقی می‌ماند و طبق شرط عدم تغییر در نظریه روگرفت، آن عنصر متعلق به چند جایگاه است؛ و در هر یک از آن جایگاه‌ها یک رونوشت از خود قرار می‌دهد (چامسکی، ۲۰۱۳: ۳). از طرفی حرکت، منجر به جابجایی می‌شود و جابجایی در زبان صوری یعنی یک سازه در جایگاه خاصی ظاهر می‌شود؛ اما خوانش آن در جایگاه دیگری رقم می‌خورد. با توجه به تعریف چامسکی (۱۹۹۵) از حرکت، در داده‌هایی چون (8a) که می‌توان در پاسخ به هر دو بند خوانش تک جفتی داشت، به نظر می‌رسد که می‌توان فرض مطلق پرسشواژه در جای اصلی را در کردی سنندجی خدشه‌دار ساخت. ابتدا کپی و ادغام [læ ke] را اعمال می‌کنیم (8a):

8a.[CP læ ke [&P [TP Hiwa xwæši ted læ ke] wale [TP Hemen qini ted læ ke? ]]]

این عملیات در (8a) در صورت منطقی (LF) در دسترس سطح معنا باقی می‌ماند؛ و موجب فرایند بازسازی<sup>۳</sup> می‌شود. فرض را بر آن قرار می‌دهیم که کپی پایین<sup>۴</sup> در صورت آوایی حذف می‌شود؛ بنابراین اگر کپی‌های پایین‌تر را در PF حذف شده در نظر بگیریم آنگاه خواهیم داشت:

8b.[CP læ ke [&P [TP Hiwa xwæši ted ~~læ ke~~] wale [TP Hemen qini ted ~~læ ke~~? ]]]

و اگر در این نوع ساخت همپایگی، حذف کپی‌های پایین‌تر در LF اعمال شود، منجر به خوانش تک جفتی (8c) خواهد شد:

8c.[CP læ ke [&P [TP Hiwa xwæši ted ~~læ ke~~] wale [TP Hemen qini tet ~~læ ke~~? ]]]

در خوانش تک جفتی همان‌گونه که از داده (8c) استنباط می‌شود، عبارت پرسشواژه در هر دو بند یک متغیر را مقید<sup>۵</sup> به خود نموده است. در داده‌ی (8c) اگر حرکت پرسشواژه از نوع آشکار و به جایگاه غیر موضوع در نظر گرفته شود، این فرض را موجب می‌شود که پاره‌ای از پرسشواژه‌های موضوعی از جمله [ke] در کردی سنندجی

<sup>1</sup> left branch extraction

<sup>2</sup> sequence

<sup>3</sup> reconstruction

<sup>4</sup> lower copy

<sup>5</sup> bind

رفتار آمیخته‌ای را از خود نشان می‌دهند. حال آنکه حذف کپی بالاتر در LF منجر به خوانش چند جفتی (8d) می‌شود که در این حالت پرسشواژه در هر بند مجزا، یک متغیر را مقید نموده است.

8d. [CP ~~læ ke~~ [&P [TP Hiva xwæši ted læ ke ] wale [TP Hemen qini ted læ ke ? ]]

حال آنکه در داده‌ی (8i) پرسشواژه موضوعی [ke] از حرکت فراگیر پیروی نمی‌کند.

8i. ke fûtbâl æ-kæ-t u ke tennis ækat

حال ۳. مفرد-کردن-نمود ناقص تنیس کی و ۳ مفرد-حال. کردن-نمود ناقص فوتبال کی  
کی فوتبال بازی می‌کند و کی تنیس بازی می‌کند؟

استدلال می‌شود که در (8i)، ویژگی [+Q] در گروه متمم‌نما وجود ندارد که با نزدیک‌ترین پرسشواژه مطابقت کند و آن را به خود جذب کند و در این موقعیت انگیزه حرکت برای پرسشواژه وجود ندارد. پرسشواژه موضوعی [ke] در دو بند همپایه جایگزین موضوع فعلی شده است؛ و در جای اصلی خود باقی می‌ماند. ذکر این نکته لازم است که پرسشواژه مفعولی منفرد در کردی سنندجی به گروه فعلی می‌چسبد (8j) و نمی‌تواند به تنهایی حرکت کند و ساختار در (8k) نا دستوری می‌شود.

8j. Hiwa ke di ?

۳ مفرد. گذشته-دیدن چه کسی را هیوا

هیوا چه کسی را دید؟

8k. \* ke Hiwa di ?

حرکت فراگیر پرسشواژه از تأثیر تطبیقی<sup>۱</sup> تأثیر می‌پذیرد؛ به عبارتی، باید از حالت عنصر حرکت کرده در دو پیونده موردنظر پیروی نماید، در غیر این صورت از حرکت فراگیر نمی‌تواند متأثر شده باشد. در (9a) گروه پرسشواژه [bæ ke] در جایگاه‌های موضوع به‌عنوان متمم فعل به شکل در جا قرار گرفته است و در این حالت، پرسشواژه موضوعی، جایگزین موضوعات فعلی شده است و دربردارنده اطلاعات ضروری در ساخت همپایه مزبور است.

9a. Zana bæ ke(Acc) ?ehtram ænet u Melodi

زانا کی به احترام-گذاشتن حال. ۳ مفرد و ملودی

bæ ke(Acc) ?e'temad ækat?

۳ مفرد. حال. کردن-اعتماد کی به

زانا به کی احترام می‌گذارد و ملودی به کی اعتماد می‌کند؟

و در پاسخ (9a)، خوانش چند جفتی از بندهای شامل، در ساخت همپایه (9b) را خواهیم داشت:

9b. Zana bæ Hiwa ?ehtram ænet u Melodi bæ Tara

زانا هیوا به احترام-گذاشتن حال. ۳ مفرد و ملودی به تارا

<sup>1</sup> matching effects

## ʔe'temad ækat

۳مفرد. حال. کردن - اعتماد

زانا به هیوا احترام می‌گذارد و ملودی به تارا اعتماد می‌کند.

تأثیر تطبیقی به‌طور کلی ناظر بر این مطلب است که پرسشواژه حرکت کرده، باید از نظر حالت با خلأ موجود در دو بند، همخوانی داشته باشد. همان‌گونه که مشخص است، اگر خوانش تک جفتی از بندهای شامل در (9b) داشته باشیم، پرسشواژه‌ی پیشایندسازی شده از نظر حالت با خلأ موجود در دو بند، همخوانی دارد و حالت مورد نظر مفعولی<sup>۱</sup> است:

9c. bæ ke Zana (Acc) ʔehtram ænet u Melodi ʔe'temad ækat?

به کسی چه زانا احترام - گذاشتن حال، ۳مفرد و ملودی . اعتماد. کردن. حال. ۳مفرد

به چه کسی زانا احترام می‌گذارد و ملودی اعتماد می‌کند؟

از طرفی دیگر با این نکته مهم روبرو می‌شویم که پیشایندسازی گروه پرسشواژه [bæ ke] در (9c) اجباری نیست، لذا فرض پرسشواژه در جای اصلی در کردی سنندجی خدشه‌دار نمی‌شود. همچنین، پرسشواژه‌های افزوده‌ای، پرسشواژه‌هایی همانند؛ کجا، کی، چرا و چطوری، هستند که دربرگیرنده‌ی اطلاعاتی هستند که از جمله قابل حذف‌اند. در داده (10a) پرسشواژه [bočæ] از نوع افزوده‌ای است و به هر دو بند افزوده شده است. پرسشواژه افزوده‌ای [bočæ] تأثیری بر محاسبات نحوی ندارد و نقش تنابیی نیز دریافت نمی‌کند و به‌طور بالقوه می‌تواند به شکل نامحدود در ساخت همپایه تکرار شود.

10a. [bočæ sændet] u [bočæ natkerdæ bæret] ?

چرا خریدن ۲مفرد. گذشته - و چرا نفی - کردن ۲مفرد. گذشته - تنت

چرا خریدی و چرا تنت نکردی؟

چامسکی (۲۰۰۱) برای ایجاد سازه‌های افزوده<sup>۲</sup>، یک نوع ادغام پیچیده‌تر را به فضای کاری پس‌انحوی معرفی نموده است؛ او این نوع ادغام را «ادغام جفتی<sup>۳</sup>» نامیده است. ادغام جفتی، طی یک عملیات نامتقارن، دو عنصر  $\alpha$  و  $\beta$  را ترکیب و جفت مرتب  $\langle \alpha, \beta \rangle$  را می‌سازد که در این جفت مرتب  $\alpha$  به  $\beta$  پیوست یا افزوده می‌شود. ادغام جفتی با یک الزام در سطح رابط ادراکی-نیتی برانگیخته می‌شود و انگیزش تجربی می‌تواند دلیل این روش دوگانه در سیستم باشد (چامسکی، ۲۰۰۱: ۱۸).

<sup>۱</sup> accusative<sup>۲</sup> adjoin<sup>۳</sup> pair-merge

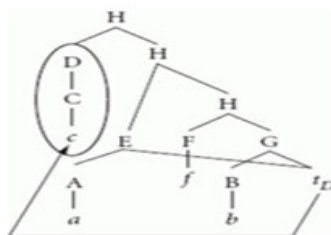


پرسشواژه‌ی افزوده‌ای [bočæ] در (10b)، می‌تواند تحت حرکت فراگیر قرار گیرد و به دلیل اینکه افزوده‌ای است، این حرکت از نوع پنهان و در سطح منطقی (LF) روی داده است، از این نوع حرکت می‌توان خوانش کانونی شدگی داشت؛ زیرا که پاسخ به این پرسشواژه در بردارنده اطلاع نو است و علت را تحت پرسش قرار داده است و حرکت پرسشواژه‌ی افزوده‌ای در این داده اجباری نیست.

10b. [<sub>foc</sub> bočæ [CP - sændet] u [CP natkerdæ bæret ]]?<sup>1</sup>

چرا خریدی و تنت نکردی؟

چامسکی (۱۹۸۲)، حرکت پرسشواژه در زبان‌های پرسشواژه در جای اصلی را به شکل پنهانی و در سطح منطقی در نظر می‌گیرد. نکته قابل توجه در این نوع از داده‌ها این است که حرکت فراگیر از دو بند همپایه به حاشیه چپ، حرکتی اختیاری است و در نتیجه این نوع حرکت، برای خطی‌سازی مهم نیست و بعد از Spell-Out انجام می‌پذیرد؛ یعنی حرکت پرسشواژه افزوده‌ای در زبان کردی سنندجی، حرکتی پنهان و در سطح منطقی است و پرسشواژه در یکی از جایگاه‌های فرافکن پیشینه که معمولاً مشخص‌گر گروه کانون و مبتدا است، فرود می‌آید. پرسش دومی که در این پژوهش مطرح شد، این بود که خطی‌سازی پرسشواژه‌ی به اشتراک گذاشته‌شده در ساخت همپایه، به چه صورت است. سیتکو (۲۰۰۵) الگوریتمی برای خطی‌سازی پرسشواژه حرکت کرده در ساختار اشراف چندگانه ارائه کرده است. او در نمودار (۱۲) حرکت (ادغام دوباره) را عامل خطی‌سازی در ساختارهای ادغام متقارن ناشی از ادغام موازی می‌داند. از نظر او در خطی‌سازی این نوع از ساخت، چون ردها به محاسبه تعلق ندارند و محصول اشتقاق می‌باشند به تلفظ در نمی‌آیند و رونوشت‌ها لازم نیست خطی شوند. به عبارتی آن عنصر، همچنان در جایگاه قبلی باقی می‌ماند و این تحت شرط عدم تغییر به نظریه گرده‌برداری حرکت<sup>۱</sup> قابل تبیین است. در این حالت یک عنصر به چند جایگاه تعلق دارد و در هر یک از آن جایگاه‌ها یک رونوشت از خود قرار می‌دهد (سیتکو، ۲۰۱۱، ۱۱).



نمودار (۱۲): خطی‌سازی پرسشواژه در ساختار اشراف چندگانه (سیتکو، ۲۰۱۱: ۱۱)

<sup>1</sup> Copy theory of movement

بنابراین، ساختار اشراف چندگانه در نمودار (۱۲) به صورت (C)، خطی می‌شود.

$$b. A = \{ \langle D, E \rangle, \langle D, A \rangle, \langle D, F \rangle, \langle D, G \rangle, \langle D, B \rangle, \langle E, F \rangle, \langle E, G \rangle, \langle E, B \rangle, \langle F, B \rangle \}$$

$$c. d(A) = \{ \langle c, a \rangle, \langle c, f \rangle, \langle c, b \rangle, \langle a, f \rangle, \langle a, b \rangle, \langle f, b \rangle \}$$

در این رویکرد، حرکت، تقارن شکن محسوب می‌شود و رونوشت به تلفظ در نمی‌آید؛ و فرایند ادغام مسئول ساخت نقاط تقارن و متعاقباً با ادغام دوباره یک رونوشت در جایگاه بالاتر، خطی شدن ساختار رقم می‌خورد. در این موقعیت، رد به تلفظ در نمی‌آید؛ اما عملاً جایگاه رد تهی نیست و عنصر ادغام‌شده در جایگاه اولیه حضور دارد. سیتکو (۲۰۱۱)، سعی در تعدیل خطی‌سازی ساختار اشراف چندگانه مذکور را داشته است تا با قضیه تناظر خطی<sup>۱</sup> کین<sup>۲</sup> (۱۹۹۴) دمساز شود. ذکر این نکته لازم است که الگوریتم سیتکو (۲۰۰۵)، نمی‌تواند خطی‌سازی ساختارهای اشراف چندگانه‌ای که در آن‌ها حرکت روی نمی‌دهد را تبیین کند.

### ۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، به بررسی حرکت فراگیر پرسشواژه از دو بند همپایه در کردی سنندجی، با استعانت از رویکرد سیتکو (۲۰۰۵) بر مبنای شق نظری ادغام موازی در ساختار اشراف چندگانه، اختصاص داشت؛ ویژگی پرسش واژه در جای اصلی، تجزیه و تحلیل ساخت همپایگی پرسشواژه‌ای را در کردی سنندجی از انگلیسی متفاوت می‌ساخت. در این گونه زبانی، پرسشواژه، بدون هیچ حرکت اجباری برخلاف زبان انگلیسی در سازه مورد نظر جایگزین می‌شد. همچنین در این پژوهش نشان دادیم که پیش‌سازندسازی پرسشواژه در کردی سنندجی اجباری نیست و پرسشواژه می‌تواند در جای اصلی به صورت ابقایی درج شود. در داده‌هایی که خوانش تک جفتی از دو بند شامل وجود داشت، به دلیل اجباری نبودن حرکت پرسشواژه، فرض مطلق پرسشواژه در جای اصلی در کردی سنندجی خدشه‌دار نشد. از طرفی داده‌ها نشان دادند که پیش‌سازندسازی پرسشواژه، به حاشیه چپ، ناشی از فرایند مبتداسازی و کانونی‌سازی است و در پرسشواژه‌ی کانونی‌شده، سازه مورد تأکید برجسته می‌شد؛ همچنین در داده‌هایی، پرسشواژه‌ی پیش‌سازندسازی شده از نظر حالت با خلأ موجود در دو بند، همخوانی داشت. در ادامه پژوهش، الگوریتم سیتکو (۲۰۰۵) در جهت خطی‌سازی پرسشواژه‌ی به اشتراک گذاشته شده در ساختار اشراف چندگانه، مورد بررسی قرار گرفت که در این الگوریتم، حرکت عامل خطی‌سازی محسوب می‌شد. این الگوریتم نمی‌تواند پاسخگوی خطی‌سازی ساختار اشراف چندگانه‌ای باشد که در آن‌ها حرکت روی نمی‌دهد.

<sup>۱</sup> linear correspondence axiom

<sup>۲</sup> Kayne

### فهرست منابع

- ساداتی نوش آبادی، سید مهدی، سبزواری، مهدی، صبوری، نرجس بانو، انوشه، مزدک. (۱۳۹۹). ادغام متقارن در نحو زبان فارسی بر اساس شواهدی از جمله‌های هم‌پایه پرسش واژه‌ای دارای حرکت موازی. *زبان پژوهی*، دوره ۱۲، شماره ۳۶. ص ۷-۳۶.
- کریمی، یادگار، واعظی، هنگامه. (۱۳۹۷). ادغام موازی، اشراف چندگانه و ساختار همپایگی پرسشواژه‌ای. *دانشگاه تهران*، دوره ۹، شماره ۱، ص ۳۹-۵۸.
- مشکوه‌الدینی، مهدی. (۱۳۸۴). *سیر زبان‌شناسی*. مشهد. دانشگاه فردوسی مشهد
- Abe, J, & Nakao, C. (2009). On ATB-movement and parasitic gaps in Japanese. In *Visions of the Minimalist Program. Proceedings of the 11th Seoul International Conference on Generative Grammar*. pp. 1-19.
- Chomsky, N. (1982). *Some concepts and consequences of the theory of government and binding*. MIT press.
- Chomsky, N. 1995. Bare phrase structure. Gert Webelhuth, ed. *Government and Binding Theory and the Minimalist Program*, 383-439. Oxford: Blackwell
- Chomsky, N. (2001). Beyond explanatory adequacy No.20. *MIT working papers in linguistics*.
- Chomsky, N. (2008). On phases. *Current Studies in Linguistics Series*, 45. 133-66.
- Chomsky, N. (2013). Problems of projection. *Lingua*, 130. 33-49.
- Chomsky, N. (2020). The UCLA lectures. <https://ling.auf.net/lingbuzz/005485>
- Citko, B. (2000). Parallel merge and the syntax of free relatives (Doctoral dissertation, State University of New York at Stony Brook).
- Citko, B. (2003). ATB wh-movement and the nature of Merge. In *PROCEEDINGS-NELS*, Vol. 33, 87-102.
- Citko, B. (2005). «On the nature of merge: External merge, internal merge, and parallel merge». *Linguistic Inquiry*, 36(4), 475-496.
- Citko, B. (2011). *Symmetry in syntax: Merge, move and labels*. Vol. 129. New York: Cambridge University Press.
- De Vries, M. (2017). Across-the-Board Phenomena. *The Wiley Blackwell Companion to Syntax*, Second Edition, 1-31.
- Johnson, K. (2009). Gapping is not (VP-) ellipsis. *Linguistic inquiry*, 40, 2, 289-328.
- Kayne, R. S. (1994). The antisymmetry of syntax. Vol. 25. Cambridge, Massachusetts: MIT press.
- Moltmann, F. (1992, June). On the interpretation of three-dimensional syntactic trees. *In Semantics and Linguistic Theory*, Vol. 2, pp. 261-282.
- Pan, V. J. (2011). ATB-topicalization in Mandarin Chinese: An intersective operator analysis. *Linguistic Analysis*, 37(1-2), 231-272.
- Simpson, A. & Bhattacharya, T. (2003). Obligatory overt wh-movement in a wh-in-situ language. *Linguistic Inquiry*, 34(1), 127-142.
- Yasui, M. (2011). Multidominant Rooted Graphs without Projection Labels. <https://dokkyo.academia.edu/MiyokoYasui>. *J/K Linguistics Conference 21* (Oct. 20, 2011)